

داعش گروهی است که همزمان در«کوبانی» با کردهای خلق سوریه، در «حلب» و دیگر شهرها با ارتش سوریه و گروه‌های مخالف، در استان «انیار»، «تکریت» و «سامرا» با دولت عراق و استان «سنجار» و اطراف آن با دولت خودمختار اقلیم کردستان در حال جنگ است. به تمام اینها بمباران‌های سنگین نیروهای ائتلاف بین‌المللی و دولت عراق و سوریه را نیز اضافه کنید. خلافت خودخوانده‌ای که هیچ‌مشروعیت و رسمیتی خارج از قلمرو خود و هیچ تجارت خارجی با هیچ کشوری ندارد و در بایکوت کامل اقتصادی به‌سر می‌برد، توانسته است در برابر تمام این فشارها مقاومت کند. جالب است چندروز قبل خبری روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت مبنی بر اینکه آمریکا با ترکیه توافق کرده سالانه حدود پنج‌هزار پیکارجوی میانه‌رو سوری را برای مقابله با داعش و حکومت سوریه آموزش دهد. همچنین مشابه این طرح در اردن و عربستان به اجرا درخواهد آمد. آنها توسط ماموران آمریکایی آموزش می‌بینند و تسلیح می‌شوند و برای جنگ به داخل سوریه فرستاده می‌شوند.

البته قبل از رسمیت‌بخشیدن این طرح جدید، کشورهای اردن و ترکیه اردوگاه‌های آموزشی در خاک خود برای ارتش آزاد سوریه فراهم کرده بودند که توسط ماموران سازمان «سیا» میانه‌روهای سوری آموزش نظامی می‌دیدند و در قالب گردان‌های رزمی به داخل خاک سوریه فرستاده می‌شدند. اما تمام این برنامه‌ریزی‌ها سودی برای جلوگیری از قدرت‌گرفتن داعش یا شکست حکومت سوریه نداشت.

جنگ با تروریسم مختص داعش و آمریکا نیست؛ جنگ با تروریسم از دههٔ ۷۰میلادی شروع شده و تاکنون ادامه دارد و می‌تواند به هر نقطه‌ای از جهان کشیده شود، اما اجتماع جهانی از فردای روز ۱۱سپتامبر به صورت عریان با تروریسم آشنا شد و برای مقابله با آنها موضع مشترکی اتخاذ کرد. زمانی که بزرگ‌ترین قدرت جهان مورد هجوم قرار گرفت و مراکز سیاسی، اقتصادی و نظامی آن توسط یک‌گروه بسیارمنسجم و ایدئولوژیک نابود شد، جنگ با تروریسم شکل جدیدی به خود گرفت. گرچه جنگ با تروریسم از لحاظ استراتژیک همپای جنگ‌جهانی یا جنگ بین دول نیست، اما از لحاظ تاکتیکی، کمی‌وکیفی بسیار مهم‌تر است؛ زیرا شما با دشمنانی در حال جنگ هستید که ارتش منظم، موقعیت مشخص، منابع اقتصادی مشخص، اطلاعات، شواهد مشخص و نحوه عملکرد آنان را در دست ندارند و بیشتر با یک دشمن نامرئی در حال مبارزه هستید. به‌عنوان مثال فرانسه برای پیداکردن سه‌مظنون حمله اخیر به نشریه «شارلی‌ابدو» ۸۸هزارپلیس و نیروی امنیتی خود را به‌کار گرفت. نباید فراموش کرد تروریست‌ها با هزینه بسیار کم اقتصادی می‌توانند صدمات جبران‌ناپذیر انسانی و اقتصادی به یک‌کشور وارد کنند.

پرسش اینجاست که آمریکا و متحدانش به عنوان دشمن شماره‌یک تروریست‌ها در برابر تروریسم از چه تاکتیک و استراتژی نظامی‌ای استفاده می‌کنند؟ در برابر تروریست‌های تا بن دندان مسلح باید از تاکتیک‌های رزمی خاصی استفاده کرد که با تاکتیک‌های جنگ‌های کلاسیک بسیار فرق دارد. مکتب جدید مبارزه با تروریسم آمیزه‌ای از تماس غیرمستقیم و مستقیم با تروریست‌هاست؛ یعنی با استفاده از تکنولوژی روز ابتدا آنها را شناسایی و سپس بمباران‌های دقیق را انجام دهیم و بقیای به‌جامانده از آنها را با استفاده از نیروهای ویژه در جنگ‌های نامتقارن چریکی از بین ببریم.

در ادبیات جدید، مبارزه با تروریسم به هدف‌گیری از راه دور با استفاده از بمب و موشک، تماس غیرمستقیم گفته می‌شود و نابودی از طریق نیروهای ویژه یا توسط تیم‌های خاص را تماس مستقیم محدود می‌گویند. البته با وجود تمام پیشرفت‌های تکنولوژیکی غرب و با وجود داشتن پیشرفته‌ترین ناوگان جنگی، بازهم در برابر گروه‌های تروریستی متحمل شکست‌های سنگینی می‌شوند. به‌عنوان مثال در سال۲۰۰۱ زمانی که آمریکا به افغانستان حمله کرد، «اسامه بن‌لادن»، رهبر سابق سازمان تروریستی القاعده و سران این گروه در کوه‌های «توراورا» استان «ننگرهار» شرق افغانستان در محاصره سه‌تیم از رنج‌های نیروی ویژه دریایی آمریکا بودند که توسط بمباران‌های بسیار شدید بمب‌افکن‌های بی‌۵۲ نیز پشتیبانی می‌شدند، اما با وجود تمام تلاش‌های آمریکا، بن‌لادن و افرادش از مهلکه جان سالم به‌در بردند و یک هفته بعد از این رویداد، القاعده با هدف قراردادن هلیکوپتر «سینوک» همان نیروهای ویژه، تعداد بسیار زیادی را به کام مرگ کشاند. همچنین نباید فراموش کنیم تنها یک تروریست القاعده می‌تواند با استفاده از یک قایق موتوری، ناو هواپیمابر «یواس‌اس‌کول» را مورد حمله قرار دهد و ۱۹میلوان نیروی دریایی آمریکا را بکشد و ناو هواپیمابر را از حرکت بیندازد. تمام تلاش تروریست‌ها ایجاد رعب‌ووحشت با استفاده از جنگ چریکی و حمله‌های انتحاری به دشمن است. آنها در یک جا تجمع نمی‌کنند و جبهه مشخصی ندارند. ما دیدیم در چندهفته اخیر داعش از برخی مناطق کوهستانی و روستاهای کردنشین عقب‌نشینی کرد و به شهرها پناه برد زیرا در مناطق بیابانی و طبیعی به‌راحتی توسط نیروهای هوایی مورد حمله قرار می‌گرفتند و بسیار آسیب‌پذیر بودند. همچنین ادوات سنگین آنها مانند تانک در معرض حمله مستقیم موشک‌ها قرار داشت، اما آنها در شهرها به‌خوبی دوام آوردند؛ به عنوان نمونه در «سامرا» تک‌تیراندازهای آنها مشغول جنگ هستند.

نیروهای آمریکایی‌به‌خوبی به این مهم رسیده‌اند که برای نابودی داعش و تروریسم باید تلفات انسانی دهند و به همین‌خاطر هیچ نیروی رزمی را در عراق و سوریه پیاده نکردند و در عوض با استفاده از قدرت اقتصادی و نظامی خود تلاش می‌کنند از اردوگاه‌های پناهندگان نیرو جذب کنند و آموزش دهند و سپس به داخل خاک سوریه بفرستند یا با تجهیز کردها و نیروهای ارتش عراق، داعش را در موصل و اطراف آن نکه دارند. برای ایالات‌متحده و هم‌پیمانان آن، اداره جنگ عراق و سوریه برای دستیابی به اهداف سیاسی صورت می‌گیرد. آنها تلاش می‌کنند کنترل آتش جنگ را در دست بگیرند تا به اهداف استراتژیک بلندمدت دست یابند. در ذیل صرف‌های استراتژی جنگی آمریکا و متحدانش در عراق و سوریه، به‌طور خلاصه آورده شده که شامل اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت است.

روند نیروسازی

فرآیند نیروسازی، بلندمدت است و برای چالش‌های آینده طرح‌ریزی می‌شود. رده‌های فرماندهی این نیروها افراد خاص و نخبه‌ای هستند که در هماهنگی کامل با مجموعه سیاسی عمل می‌کنند. نیروهای مبارز توسط رهبران سیاسی یا مذهبی با نیازهای اقتصادی، به طرف اردوگاه‌های آموزشی گسیل می‌شوند و در آنجا به صورت کاملاً حرفه‌ای آموزش می‌بینند و سپس با تجهیزات کافی در قالب گردان‌های رزمی وارد نقاط درگیری می‌شوند تا عملیات بازپس‌گیری و ثبات را به ثمر برسانند. آنها از طرف متحدان نظامی حمایت می‌شوند؛ به عنوان مثال هم‌اکنون آمریکا، آلمان، انگلیس … به کردستان عراق مستشاران و مربیان نظامی را گسیل کرده‌اند تا ارتش کردستان عراق را آموزش دهند و آنها را تجهیز کنند تا در کوتاه‌مدت در برابر داعش و در بلندمدت در برابر دولت عراق و ترکیه از توان بازدارندگی خوبی برخوردار باشند و منافع نفتی آنها را در شمال عراق حفظ کنند. همچنین در اردوگاه‌های ترکیه، اردن و عربستان عرب‌تبارها را

استراتژی ائتلاف در جنگ با داعش در خاک سوریه و عراق چگونه رقم می‌خورد

جنگ با دشمن نامرئی

عبد الحمید نور زابی، پژوهشگر افغان



عملیات الجزیره

آموزش می‌دهند تا به‌عنوان نیروی‌سوم در سوریه از قدرت نظامی بیشتری برای مقابله با داعش و «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه برخوردار باشند و در بلندمدت حس بدبینی‌ای که عرب‌ها نسبت به غرب دارند، از بین برود و سوریه از نفوذ ایران و روسیه مصون بماند و نباید فراموش کنیم ارتش عراق را نیز آموزش می‌دهند تا در کوتاه‌مدت با داعش مقابله کند و در بلندمدت گروه‌های شیعه نظامی نزدیک به ایران با استفاده از پیروزی‌های نظامی خود برتری‌جویی سیاسی نکنند و ارتش نیز از قدرت خوبی برخوردار باشد که سدی باشد در برابر نفوذ روزافزون ایران که این موضوع خواسته شورای همکاری خلیج‌فارس نیز است.

فرسایش ظرفین درگیری

اگر ارتلاف قصد نابودی داعش یا گروه‌های دیگر تروریستی را در دستور کار قرار دهد، می‌تواند با استفاده از برتری تکنولوژیکی ضربه‌های سختی بر پیکره آنها وارد کند، به‌عنوان مثال با هدف قراردادن کادر رهبری باعث فروپاشی درونی این گروه‌ها شود. اما از منظر ائتلاف نباید در نابودی داعش عجله کرد زیرا باید هزینه یک جنگ فرسایشی را بر عراق، سوریه و داعش تحمیل کرد تا تئوری نشان‌دادن هزینه باخت تحقق یابد.

اگر ائتلاف قصد نابودی داعش را در دستور کار قرار دهد، می‌تواند با استفاده از برتری تکنولوژیکی ضربه‌های سختی بر پیکره آنها وارد کند، به‌عنوان مثال با هدف قراردادن کادر رهبری باعث فروپاشی درونی این گروه‌ها شود. اما از منظر ائتلاف نباید در نابودی داعش عجله کرد زیرا باید هزینه یک جنگ فرسایشی را بر عراق، سوریه و داعش تحمیل کرد تا تئوری نشان‌دادن هزینه باخت تحقق یابد

برخی بر این عقیده هستند که داعش برای غرب بسیار مفید است زیرا تمام تندرهای غرب جذب این گروه می‌شوند و سپس از بین می‌روند. در جنگ‌های فرسایشی، تکنولوژی حرف‌اول را نمی‌زند، بلکه تعداد نفرات و حرفه‌ای‌بودن آنها در جنگ‌های شهری نتیجه جنگ را رقم خواهد زد. راز پیروزی حماس، حزب‌الله و ویتنام شمالی نیز فرسایش جنگی دشمن بود. در حقیقت ائتلاف می‌خواهد همزمان همه طرف‌ها باهم فرسوده شوند؛ به‌عنوان مثال اقلیم کردستان عراق بارها از آمریکا و ائتلاف درخواست تسلیحات سنگین کرد که آنها به بهانه‌های مختلف از قبول این خواسته‌ها اجتناب کردند. هم‌اکنون نیز براساس سخنان «مسعود بارزانی»، رهبر اقلیم کردستان، آنها از برخورداری از تسلیحات سنگین و پیشرفته محروم هستند. فرسایشی با اهداف استراتژیک بلندمدت و کوتاه‌مدت طرح‌ریزی شده است؛ در کوتاه‌مدت شکست داعش و دولت اسد و در بلندمدت وابستگی هرچه بیشتر دولت عراق و اقلیم کردستان به غرب و جدایی مناطق اهل‌سنت عراق از تشیع.

پشتیبانی نیروهای محلی

ائتلاف تلاش می‌کند برای مدیریت جنگ و کنترل درگیری‌ها از طرف‌های مختلفی پشتیبانی کند؛ به‌عنوان مثال ائتلاف همزمان با کردهای کردستان عراق، دولت عراق، ارتش آزاد سوریه، کردهای خلق سوریه، قبایل اهل‌سنت، گروه‌های شیعه و… انواع کمک مالی و نظامی و آموزشی را ارائه می‌دهد. همچنین اطلاعات ماهواره‌ای را در اختیار آنها قرار می‌دهد و در به‌هم‌زدن تعادل رقیب، آنها را یاری می‌کند. البته گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد برخی از محموله‌های کمکی ائتلاف به دست گروه‌های تروریستی رسیده است، اما در بین ائتلاف، تضاد منافع باعث شده کشورهای عضو به هریک از دوستان نزدیک خود که درگیر جنگ هستند، کمک کنند. به‌عنوان مثال آمریکا و ترکیه از ارتش آزاد حمایت می‌کنند و عربستان

جهان

یک‌شمال سوریه‌دیگر

آزاد حاجی‌آقایی

شکست گروه تروریستی «داعش» در کوبانی، ترکیه را در موقعیت سیاسی پیچیده‌ای قرار داده که چندان بی‌شباهت به موقعیت این کشور در مقابل عراق در دودهه پیش نیست. اکنون «رجب‌طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه در موقعیت جدیدی قرار گرفته که می‌تواند عواقب پیش‌بینی‌نشده‌ای را در سطح سیاست داخلی و خارجی برای آنکارا داشته باشد.

رجب‌طیب اردوغان پس از بازگشت از آفریقا در پاسخ به خبرنگاری که از او راجع‌به این پیروزی پرسیده بود، گفت: «ما خواهان عراق دیگری در کنارمان نیستیم. این چه وضعی است؟ شمال عراق و اکنون شمال سوریه؟ نمی‌توانیم چنین چیزی را قبول کنیم. من می‌دانم سنگینی این فشار بر ترکیه زیاد است.» اردوغان با اشاره به نوار مرزی شمال سوریه و تهدیدهای آتی آن برای ترکیه، ادامه داد باید از موضع خودمان در این مساله دفاع کنیم. در غیر این‌صورت بعد از شمال عراق نوبت شمال سوریه دیگری است و این صفارآری در آینده به معضل عظیمی منجر می‌شود. او در کنفرانس خبری‌ای که درباره اختلافات با آمریکایی‌ها بر سر سوریه، سخن می‌گفت؛ تاکید کرد «دیگر سوی این مساله اهمیت کانتون‌های افرین، کوبانی و قامیشلو هستند. ما به نیروهای ائتلاف می‌گوییم چرا شما به حلب توجه نمی‌کنید؟ آنها هیچ‌توجهی به حلب ندارند. من به آقای «باراک اوباما»، (رئیس‌جمهوری آمریکا) گفتم چرا کوبانی برای شما اینچنین استراتژیک است؟ و اوباما گفت اگر داعش به پیروزی دست پیدا کند، آنها می‌گویند ما نیروهای ائتلاف را شکست دادیم. ۲۰۰هزارنفر از مردم کوبانی به ترکیه آمده‌اند و غیرنظامی در این شهر وجود ندارد. فقط نظامیان در این شهر هستند. ما گفتیم کوبانی را بمباران نکنید، شما اشتباه می‌کنید. اما با وجود استفاده از هواپیماهای سی-۱۳۰ آنها با هراتجه که داشتند، کوبانی را بمباران کردند.»

اردوغان در این کنفرانس خبری همچنین سه‌خواستنه ترکیه از نیروهای ائتلاف را مبنی‌بر ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه، یک منطقه امن اعلام‌شده در شمال سوریه و تجهیز و آموزش عناصری از ارتش آزاد سوریه تکرار و تاکید کرد آمریکا با دوخواست‌ه اولی مخالف است، اما با آخرین خواسته ترکیه موافقت کرده است.

در داخل نیز در حالی‌که «احمد داووداوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه، آزادی کوبانی را تبریک گفت؛ «باغچلی»، رئیس حزب «حرکت ملی» گفت: «مشخص است تبریک پیروزی کوبانی مخاطبان خاص خود را دارد. در برهه جاری داووداوغلو نمی‌تواند به داعش تبریک بگوید. از این‌رو تبریک او برای آزادی کوبانی چیزی بیشتر از یک سلام گرم به حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و اتحاد دموکراتیک نیست.»

سخانی از این‌دست و ناراضیتی برخی از افسران ارتش ترکیه مبنی‌بر اجازه ورود پیشمرگان کردستان برای پیوستن به جنگجویان کرد کوبانی می‌تواند به دولت اردوغان از داخل فشار وارد کند.

از سویی دیگر اردوغان نیک می‌داند با توجه به حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم ترکیه از گروه‌های تندرو فصال در سوریه، نیروهای ائتلاف درصدد محدودکردن نقش آفرینی ترکیه در منطقه برخوانند آمد. به همین دلیل این مساله تنها‌نه در برابر سیاست‌های کلان ترکیه قرار می‌گیرد، بلکه بر انتخابات مجلس ترکیه و آینده حزب «عدالت‌وتوسعه» اردوغان نیز تاثیر می‌گذارد.

یادداشت

برای یک‌لقمه‌نان

رها معتمدی

مردم در اکثر کشورها زمانی به سمت آزادیخواهی گام برمی‌دارند که در دیگر فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی شکست خورده باشند، در این زمان است که مردم عادی برای فرار از سرنوشت شوم خود و رهایی از کابوس تلخ شکست، جذب دموکراسی شوند. در چنین شرایطی آنان تنها راه رسیدن به زندگی بهتر را در دموکراسی می‌بینند و به همین دلیل تمامی اقشار جامعه جذب جنبش‌ها و خواستار برپایی دموکراسی نه به‌صورت مرحله‌ای، بلکه به‌طور جامع می‌شوند. این در حالی است که برقراری دموکراسی در کشورهای روبه‌توسعه و پیشرفته با استقبال بهتری روبه‌رو می‌شود. اما برخی معتقدند دموکراسی و اجرای آن به سطح درآمد ناخالص ملی کشورها و رشد طبقه متوسط بستگی دارد و نمی‌توان به آزادیخواهی مردم فقیر امیدوار بود. بنابراین در شرایط نامناسب اقتصادی حتی اگر دموکراسی پایگیرد، به نخبه‌ها بحران از بین می‌رود و شهروندان آزادیخواه برای بهبود اوضاع معیشتی به ابزارهای دیگری متوسل می‌شوند.

اکنون جهان به نقطه‌ای رسیده که آزادیخواهی تنها دلیل تغییرات جهانی نیست و نمی‌توان مسایل اقتصادی را فراموش کرد. شاید دولتمردان حتی در زمان‌های طولانی بتوانند به صورت سطحی به موفقیت‌هایی دست یابند، اما بدون شک، اقتصاد کرسی آنان را می‌بلعد؛ چرا که حکومت‌های امپریالیستی توانایی مقابله با شرایط پیچیده و تغییرات جهانی را ندارند و به همین دلیل با جرقه کوچکی از آگاهی‌های مدنی به‌ناگاه مسایل خفته جامعه بر همگان روشن و این قبیل دولت‌ها به‌راحتی حذف می‌شوند.

مصری‌ها که به‌دنبال تونس‌ها میدان التحریر را برای بازخواهی مطالباتشان انتخاب کردند، پس از گذشت دوسال اکنون انقلاب خود را از‌دست‌رفته می‌بینند. اکنون می‌توان بازهم بر این نکته تاکید کرد که نزاع تنها میان اسلامگرایی و سکولاریسم نیست. در حقیقت معترضان امروز نمادی از تمامی اقشار جامعه هستند که مشکلاتشان نه دولت اسلامی است و نه عقیده‌ای سکولار دارند؛ آنان پس از گذشت چندسال همچنان غم نان دارند چرا که منتخب آنان نتوانست اوضاع معیشتی آنان را سروسامان دهد. مصری‌ها انتظار داشتند پس از خروج «حسنی مبارک»، دیکتاتور سابق این کشور و خلع «محمد مرسی»، نخستین رئیس‌جمهوری منتخب‌شان، شاهد بهبود شرایط اقتصادی باشند. اما از زمان برکناری حسنی مبارک افزایش بهای کالا، بیکاری، کمبود سوخت و کاهش شدید ارزش پول ملی از شاخص‌های اصلی وضعیت اقتصادی مصر بوده است.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، بیکاری که از ۹درصد زمان مبارک به ۱۲/۴درصد در سال۲۰۱۲ رسید، در سال گذشته به ۱۳/۵درصد افزایش یافت. تورم نیز قرار بود تا هشت‌درصد کاهش یابد، اما رکود اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی، نتایج معکوسی را به بار آورد. در چنین شرایطی شهروندان مصری به سبب حذف بخش‌هایی از یارانه نان و سوخت مجبور شدند هزینه بیشتری برای تامین مایحتاج عمومی خود بپردازند. این در حالی بود که به خاطر



تفکر اخوانی مهم‌ترین بخش اقتصادی مصر با محدودیت‌های بی‌شماری مواجه شد؛ طبق گزارش انجمن گردشگری مصر، صنعت توریسم تا سال ۲۰۱۱ سهمی ۱۱/۳درصدی در تولید ناخالص ملی کشور داشته است که بیش از دومیلیون و ۸۰۰هزار مصری در آن تکتسه این عوامل به هم وابسته‌اند و توسعه اقتصادی در آینده ۱۵میلیون‌گردشگر به مصر رفتند. این رقم در دوسال اخیر به‌شدت در حال نوسان بوده و گاه تا یک‌سوم نیز کاهش یافته است.

دولت‌های دیکتاتوری و شبه‌دموکراتیک معمولاً ترجیح می‌دهند دست به توسعه اقتصادی بزنند و از توسعه سیاسی خودداری کنند. آنها بر این باورند که می‌توان یکی را بدون دیگر به پیش برد، غافل از آنکه این عوامل به هم وابسته‌اند و توسعه اقتصادی در آینده باعث الزام به توسعه سیاسی نیز می‌شود. توسعه اقتصادی باعث افزایش رفاه اقتصادی و ظهور طبقه متوسطی می‌شود که عمده مطالباتش سیاسی است. پس گسترش این طبقه، رژیم‌های عربی را وادار به اتخاذ روش مسالمت‌آمیز همچون آزادی‌های اساسی، حقوق بشر و دموکراسی کرد. افزایش جمعیت این کشورها در کنار ناکارآمدی دستگاه مدیریتی کشور در اداره امور، ایجاد اشتغال و رونق‌بخشیدن به اقتصاد نیز از عوامل تاثیرگذار محسوب می‌شود. در کنار این ناکارآمدی، باید توجه داشت موج رکود اقتصادی، اکنون به کشورهای خاورمیانه رسیده است. در نتیجه، فقر و بیکاری در این کشورها به درجات مختلف، باعث پیوستن طبقات پایین به گروه‌های معترض شده است.

به‌طورکل باید گفت کشورهای خاورمیانه در عین‌پیوستگی، شاهد گسست در روند آتی توسعه سیاسی هستند. بدون‌شک به‌زودی شاهد تشکیل دولتی جدید و البته متفاوت در اکثر کشورهایی خواهیم بود که بهارعربی را پشت‌سر گذاشته‌اند؛ هرچند نمی‌توان با قاطعیت پیش‌بینی کرد این دولت‌ها دموکرات هستند، اما به‌قطعیت می‌توان گفت نظامی نو در خاورمیانه مستقر خواهد شد چرا که نه‌تنها خاورمیانه تغییرات زیادی را تجربه کرده، بلکه جهان به‌ویژه در یک دهه اخیر تغییرات پرشمانی را از سر گذرانده است. بنابراین اسلام‌گراها، چپ‌ها، بنیادگراها و گروه‌های طرفدار دموکراسی باید شرایط را به‌نفع خودشان تغییر دهند. اکنون باید دید نخبگان سیاسی سنتی منطقه تا چه‌اندازه به اصلاحات واقعی سیاسی و اقتصادی که موردنظر توده‌های مردم است، تن می‌دهند و آیا اقتصاد جهانی قادر به برون‌رفت از رکود کنونی خواهد بود تا خاورمیانه در کانون تنش‌های نوظهور جهانی، آرامش را تجربه کند.